دو فصلنامه علمی
پژوهشهای تطبیقی
در حقوق و علوم اجتماعی

Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences

A descriptive search of the causes of the increase in criminal titles in criminal regulation

Hamid Lohrasbi

Independent Legal Researcher, Shahriar Branch, Islamic Azad University, Shahriar, Iran

hamid.lohrasbi.lawyer@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
25 April 2026
Accepted، Available online:
23 August 2026

Keywords:
The punishment
crime
the criminal titles
the Legislature.

ABSTRACT

The rise of criminal titles in criminal regulation is a global phenomenon influenced by social ،political ،economic and technological developments. This article examines the causes of this increase and shows that the development of modern societies and the emergence of new crimes such as cybercrime and environmental crime ،cultural changes such as attention to human rights and the environment ،and political and security pressures such as the fight against terrorism are the main factors of this phenomenon. Also ،the influence of media and public opinion and international commitments also play a role in increasing criminal titles.However ،this increase without careful planning can lead to ambiguity in the laws ،an increase in the criminal population and a heavy burden on the judicial system. To address these challenges ،the paper proposes a preventive and holistic approach. This includes strengthening social programs ،improving the legislative process ،using new technologies ،International Cooperation and periodic evaluation of laws. Also ،emotional regulation should be avoided and special attention should be paid to civil rights and restorative justice.The rise of criminal titles is inevitable in modern societies ،but it requires intelligent management and expert approaches to achieving criminal justice and reducing crime.

Cite this article Lohrasbi ,hamid (2026) A descriptive search of the causes of the increase in criminal titles in criminal regulation. **Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences**، 2(1)57-171.

Publisher: Hamyar Jahed Publications.

جستاری توصیفی بر علل افزایش عناوین مجرمانه در تقنین گذاری کیفری

حمید لهراسبی
پژوهشگر مستقل حقوقی ، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران
hamid.lohrasbi.lawyer@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱٤۰۵/۰۲/۵

تاریخ پذیرش و انتشار:
۱٤۰۵/۰٦/۰۱

کلیدواژه‌ها:
جرم ،
مجازات ،
عناوین مجرمانه ،
قانونگذاری

چکیده

افزایش عناوین مجرمانه در تقنین‌گذاری کیفری پدیده‌ای جهانی است که تحت تأثیر تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناوری رخ داده است. این مقاله به بررسی علل این افزایش می‌پردازد و نشان می‌دهد که توسعه جوامع مدرن و ظهور جرائم جدید مانند جرائم سایبری و زیست‌محیطی، تغییرات فرهنگی مانند توجه به حقوق بشر و محیط زیست، و فشارهای سیاسی و امنیتی مانند مبارزه با تروریسم، از عوامل اصلی این پدیده هستند. همچنین، تأثیر رسانه‌ها و افکار عمومی و تعهدات بین‌المللی نیز در افزایش عناوین مجرمانه نقش دارند.با این حال، این افزایش بدون برنامه‌ریزی دقیق می‌تواند به ابهام در قوانین، افزایش جمعیت کیفری و بار سنگین بر سیستم قضایی منجر شود. برای مقابله با این چالش‌ها، مقاله پیشنهاد می‌کند که رویکردی پیشگیرانه و جامع‌نگر اتخاذ شود. این شامل تقویت برنامه‌های اجتماعی، بهبود فرآیند تقنین‌گذاری، استفاده از فناوری‌های نوین، همکاری بین‌المللی و ارزیابی دوره‌ای قوانین است. همچنین، باید از تقنین‌گذاری احساسی جلوگیری کرد و به حقوق شهروندی و عدالت ترمیمی توجه ویژه‌ای نشان داد.نوعا افزایش عناوین مجرمانه در جوامع مدرن اجتناب‌ناپذیر است، اما نیازمند مدیریت هوشمندانه و رویکردهای کارشناسی‌شده برای دستیابی به عدالت کیفری و کاهش جرائم است.

استناددهی:لهراسبی، حمید (۱٤۰۵). جستاری توصیفی بر علل افزایش عناوین مجرمانه در تقنین گذاری کیفری، **دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی**، ۲(۱)۱۷۱-۱۵۷

ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم شناسی

بیان مسئله

افزایش عناوین مجرمانه در قانونگذاری کیفری، پدیده‌ای است که در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، به طور محسوسی مشاهده شده است. این روند به معنای اضافه شدن رفتارها و فعالیت‌های جدید به فهرست جرائم و تشدید مجازات‌ها برای برخی از جرائم موجود است. این پدیده، که تحت عنوان جرم انگاری فزاینده (Overcriminalization) شناخته می‌شود، نگرانی‌های جدی را در میان حقوقدانان، جرم‌شناسان و فعالان حقوق بشر برانگیخته است. علل این افزایش عناوین مجرمانه را می‌توان در تحولات اجتماعی و فناوری، فشار افکار عمومی و رسانه‌ها، نگرانی‌های امنیتی و سیاسی، کم‌توجهی به راه‌حل‌های غیرکیفری، و تأثیر جهانی‌سازی و تعهدات بین‌المللی جستجو کرد. تحولات اجتماعی و فناوری، مانند پیشرفت فناوری‌های دیجیتال و تغییرات در سبک زندگی، موجب ظهور رفتارها و فعالیت‌های جدیدی شده‌اند که پیش‌تر وجود نداشتند یا کمتر مورد توجه بودند. به عنوان مثال، جرائم سایبری، نقض حریم خصوصی در فضای مجازی، و سوء استفاده از فناوری‌های نوین، قانونگذاران را به سمت جرمانگاری این رفتارها سوق داده‌اند. همچنین، تغییرات در ارزش‌های اجتماعی ممکن است موجب شود برخی رفتارها که قبلاً عادی تلقی می‌شدند، به عنوان جرم شناخته شوند. از سوی دیگر، فشار افکار عمومی و رسانه‌ها در مواجهه با وقایع جنجالی یا بحران‌های اجتماعی، اغلب خواستار اقدامات قاطع از سوی دولت و قانونگذاران هستند.

این فشارها ممکن است منجر به تصویب قوانین جدید یا تشدید مجازات‌ها بدون بررسی دقیق آثار و پیامدهای آن‌ها شود. به عنوان مثال، پس از وقوع حوادث تروریستی یا جرائم شدید، ممکن است قوانین جدیدی برای مقابله با تروریسم یا جرائم خشونت‌آمیز تصویب شود. در برخی موارد، افزایش عناوین مجرمانه ممکن است ناشی از نگرانی‌های امنیتی یا سیاسی باشد. دولت‌ها ممکن است از ابزارهای کیفری برای کنترل بیشتر بر جامعه و محدود کردن مخالفان سیاسی استفاده کنند.

این موضوع می‌تواند به نقض حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان منجر شود و فضای جامعه را به سمت محدودیت‌های بیشتر سوق دهد. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، قانونگذاران به جای استفاده از راه‌حل‌های غیرکیفری (مانند قوانین مدنی، اداری یا انضباطی)، به سرعت به سمت جرمانگاری و استفاده از ابزارهای کیفری روی می‌آورند. این رویکرد ممکن است ناشی از ناتوانی در حل مسائل از طریق روش‌های غیرکیفری یا تمایل به نشان دادن عکس‌العمل قاطع در برابر مشکلات اجتماعی باشد. همچنین، برخی از جرمانگاری‌ها ممکن است ناشی از تعهدات بین‌المللی کشورها باشد. این افزایش عناوین مجرمانه، چالش‌های متعددی را در پی داشته است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به افزایش حجم پرونده‌های قضایی، ابهام در تعریف جرائم، نقض حقوق و آزادی‌های فردی، افزایش جمعیت زندان‌ها، و کاهش اعتماد به سیستم عدالت می‌شود در این مقاله با نگاهی توصیفی تحلیلی در پی ارائه تصویری علل افزایش عناوین مجرمانه هستیم.

۱. پیشینه پژوهشی

– مقاله با موضوع: علل و چرایی افزایش عناوین مجرمانه که به قلم: وطن دوست انگاشته شده است یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که: با ازدیاد بزه و بزهکاری این تفکر شکل گرفت که جامعه باید در مقابل افزایش بی–رویه جرم و روند رو به تزاید تعداد بزهکاران و به منظور حفظ نظم و امنیت اجتماعی دست به جرم انگاری زده و از سلاح کیفر آن هم از نوع شدید و سنگین استفاده نماید. از این رو قانون گذار با ادغام عناوین بزه و انحراف، جرم و گناه، اخلاق گرایی قانونی و بدون لحاظ نمودن اصول و معیارهای جرم انگاری و بدون توجه به یافته‌های نوین علوم جنایی، سعی نموده است برای اکثر اعمال ناقض ارزشها و هنجارهای اجتماعی جرم انگاری نموده و مرتکبین آن را وارد فرآیند کیفری نموده و با وی به شدت برخورد نماید که از اولین آثار چنین سیاست جنایی، افزایش عناوین مجرمانه می‌باشد که در عمل نه تنها نتوانسته روند تصاعدی جرم را تقلیل دهد بلکه در مواردی خود تبدیل به یک حقوق جزایی خشونت آمیز شده و معضلات عدیده‌ای را را فراروی بزهکاران، بزه‌دیده‌گان، دستگاه قضایی و سایر افراد جامعه قرار داده است.

– مقاله با موضوع: بررسی علل و عوامل کاهش و افزایش جرم در جامعه که به قلم: کریمی نیا و دیگران انگاشته شده است یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که: پیشگیری از ارتکاب جرم همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوقی بوده که عوامل متعددی در افزایش و کاهشان در جامعه مرتبط است. امروزه در جوامع اسلامی به ویژه ایران، یکی از نهادهای مهم که یکی از وظایف مهم آن‌ها پیشگیری از جرم از طریق مبارزه با عوامل و فرایندها و یا موقعیت‌ها اوضاع و احوال مؤثر در وقوع جرم و ناهنجاری اجتماعی با الگوگیری مستقیم از آموزه‌های دین اسلام می‌باشد نهادهای مذهبی است. قوه مقننه بر اساس رسالت خطیر خود به عنوان نهاد مقنن کشور و شان نظارتی خود در تلاش بوده است نسبت به فساد و لزوم مقابله با آن حساس باشد که (۹) راهبرد مطرح شده در این مقاله با هدف ایفای نقش مجلس علیه فساد پیشنهاد شده است.

– مقاله با موضوع: بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران) که به قلم: محسن نوغانی دخت بهمنی و دیگر همکاران انگاشته شده است یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که: نتایج نشان داد نشان داد که بیشترین عوامل مؤثر بر متغیر سرقت، به ترتیب متغیرهای نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و نرخ تورم هستند. همچنین، تأثیرگذارترین عوامل بر متغیر جرمِ کل، به ترتیب متغیرهای نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و نرخ فقر بودند. بیشترین عوامل تأثیرگذار بر متغیر قتل، به ترتیب متغیرهای نرخ بیکاری، نرخ صنعتی شدن و نرخ فقر هستند.

– چندین منبع دیگری من جمله کتاب، مقاله، گزارش و ... که به موضوع پرداخته است ولی به علت **"رعایت اصل اختصار"** صرفنظر می‌گردد.

۲. مبانی نظری

آنارشی حقوقی به وضعیتی اشاره دارد که در آن قوانین و مقررات حقوقی به طور سیستماتیک نادیده گرفته شده یا اجرا نمی‌شوند. در چنین شرایطی، ساختارهای قانونی و نهادهای مسئول اجرای قانون یا وجود ندارند یا به شدت تضعیف شده‌اند. این وضعیت می‌تواند منجر به هرج‌ومرج، بی‌عدالتی و نقض گسترده حقوق افراد شود. به عقیده نگارنده برای توضیح و تفسیر چنین وضعیتی با یک رویکرد کاملاً آنارشیک روبرو هستیم. قانونگذاران یا دولت شروع به تعریف رفتارهای بیشتری به عنوان جرم می‌کنند. این رفتارها ممکن است شامل فعالیت‌های روزمره، اعتراضات سیاسی، یا حتی رفتارهای اجتماعی باشند که قبلاً جرم محسوب نمی‌شدند. قوانین جدید اغلب مبهم و گسترده نوشته می‌شوند، به طوری که تفسیر آنها به عهده قضات یا مجریان قانون گذاشته می‌شود. این گسترش قوانین کیفری، پایه‌های اولیه برای تشدید آنارشی حقوقی را فراهم نماید. با افزایش عناوین مجرمانه، مردم نمی‌توانند به درستی تشخیص دهند که چه رفتارهایی ممکن است جرم تلقی شود. این ابهام باعث می‌شود افراد نتوانند با اطمینان فعالیت‌های خود را انجام دهند. در نتیجه، امنیت حقوقی کاهش می‌یابد و مردم دائماً نگران تعقیب قضایی هستند، حتی اگر قصد انجام کار خلافی نداشته باشند. حقوق کیفری و جرم‌انگاری، عرصه برخورد اقتدار دولتی و حقوق و آزادی‌های شهروندان است. (محمودی جانکی، ۱٤۰۲، ص ۳۳۱)

اینجاست که تعداد پرونده‌های قضایی به سرعت افزایش می‌یابد. سیستم قضایی با تراکم پرونده‌ها مواجه می‌شود و قضات و مجریان قانون ممکن است نتوانند به همه پرونده‌ها به درستی رسیدگی کنند. این موضوع به کاهش کیفیت رسیدگی و افزایش احتمال بی‌عدالتی منجر می‌شود. در چنین شرایطی، مردم به تدریج اعتماد خود را به سیستم قضایی از دست می‌دهند. در چنین وضعیتی متصور است دولت یا گروه‌های صاحب قدرت ممکن است از قوانین گسترده و مبهم برای سرکوب مخالفان یا گروه‌های خاص استفاده کنند. این امر به بی‌عدالتی و تبعیض سیستماتیک منجر می‌شود. علاوه بر این، قضات و مجریان قانون ممکن است از ابهامات قانونی سوءاستفاده کرده و به صورت سلیقه‌ای یا فاسدانه عمل کنند. این فساد قضایی به بی‌اعتمادی بیشتر به سیستم حقوقی دامن می‌زند.

وقتی مردم ببینند که قوانین به جای حمایت از آنها، علیه آنها استفاده می‌شود، اعتماد خود را به سیستم حقوقی از دست می‌دهند. این بی‌اعتمادی عمومی باعث می‌شود که مردم کمتر به قانون احترام بگذارند و بیشتر تمایل داشته باشند که قوانین را نادیده بگیرند. در این مرحله، مشروعیت سیستم حقوقی به شدت تضعیف می‌شود. مثلاً در حقوق بین الملل کیفری به عنوان حفاظی که باید نظم عمومی بین المللی را حفاظت کند در تقابل جنگ قدیمی سیاست و حقوق است.

به نحوی از انحاء مختلف، در یک حالت انفعالی قرار دارد و علی رغم وجود قوانین متعدد بین الملل و کنوانسیون‌های بین المللی مختلف در این خصوص با یک وضعیت آنارشیک حقوقی در سطح نظام بین الملل در مبارزه با جرائم سازمان یافته بین المللی قرار داریم. (موسوی فرد،۱٤۱۰۰، ص ۲۰۱)

۳. تورم قوانین کیفری

تورم قوانین کیفریم یتواند ناشی از عوامل متعددی باشد. یکی از مهمترین علل، واکنش به مسائل اجتماعی و سیاسی است. گاهی اوقات قانونگذاران در پاسخ به فشارهای اجتماعی یا سیاسی، قوانین جدیدی تصویب می‌کنند بدون اینکه به قوانین موجود توجه کافی داشته باشند. این امر منجر به تداخل و تکرار قوانین می‌شود. علاوه بر این، عدم هماهنگی بین نهادهای قانونگذاری نیز می‌تواند باعث تورم قوانین شود. در برخی موارد، نهادهای مختلف قانونگذاری بدون هماهنگی با یکدیگر اقدام به تصویب قوانین جدید می‌کنند که این امر می‌تواند منجر به تورم قوانین شود. همچنین، تخصصی شدن قوانین نیز یکی دیگر از علل تورم قوانین کیفری است. با پیشرفت جوامع و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، نیاز به قوانین تخصصی‌تر افزایش می‌یابد. این امر می‌تواند منجر به افزایش تعداد قوانین شود. در نهایت، فقدان بازنگری دورهای نیز می‌تواند به تورم قوانین دامن بزند. در برخی سیستم‌های حقوقی، قوانین قدیمی به طور منظم بازنگری و اصلاح نمی‌شوند که این امر منجر به انباشت قوانین قدیمی و جدید می‌شود. اگرچه وجود قانون کیفری برای جامعه یک ضرورت است، لیکن نمی توان توالی فاسد ناشی از تصویب و اجرای آن را نادیده انگاشت، زیرا هرقانون کیفری، با وجود تمامی مزایا، محدودکننده آزادی. افراد و افزایش دهنده قدرت بوده که نتیجه آن آسیب پذیری توده مردم در برابر حاکمیت است انسان به حکم فطرت، خواستار آزادی و رهایی از محدودیت است، ولی لازمه حیات یک نظام اجتماعی آن است که مردم در لازم را نداشته و با حقوق طبیعی و فطری انسان هماهنگ نباشند، موجب ایجاد تعارض بین مردم و دولت خواهند شد. (حبیب زاده و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۷۸)

تورم قوانین کیفری پیامدهای منفی متعددی را به دنبال دارد. یکی از مهمترین پیامدها، پیچیدگی سیستم حقوقی است. افزایش تعداد قوانین باعث می‌شود که سیستم حقوقی پیچیده‌تر شود و درک و اجرای قوانین برای شهروندان و حتی حقوقدانان دشوارتر گردد. علاوه بر این، تورم قوانین می‌تواند منجر به کاهش کارایی سیستم قضایی شود، زیرا قضات و وکلا باید زمان بیشتری را صرف بررسی و تطبیق قوانین متعدد کنند. همچنین، عدم اطمینان حقوقی نیز یکی دیگر از پیامدهای تورم قوانین کیفری است. وقتی قوانین بیش از حد زیاد و پیچیده باشند، شهروندان ممکن است نتوانند به راحتی از حقوق و تکالیف خود آگاه شوند که این امر منجر به عدم اطمینان حقوقی می‌شود. تورم قوانین می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های قضایی شود، زیرا نیاز به منابع بیشتری برای آموزش است. برای مقابله با تورم قوانین کیفری، راهکارهای متعددی وجود دارد.

یکی از مهمترین راهکارها، بازنگری دورهای قوانین است. انجام بازنگری‌های منظم و حذف قوانین قدیمی و غیرضروری می‌تواند به کاهش تورم قوانین کمک کند. علاوه بر این، هماهنگی بین نهادهای قانونگذاری نیز می‌تواند از تداخل و تکرار قوانین جلوگیری کند. ایجاد مکانیسم‌های هماهنگی بین نهادهای مختلف قانونگذاری می‌تواند به کاهش تورم قوانین کمک کند. همچنین، استفاده از رویکردهای جامع نیز یکی دیگر از راهکارهای مؤثر است. به جای تصویب قوانین جدید برای هر موضوع خاص، می‌توان از رویکردهای جامع‌تر و کلی‌تر استفاده کرد که قادر به پوشش طیف وسیعتری از مسائل باشند. افزایش آگاهی و آموزش حقوقدانان، قضات و شهروندان درباره قوانین موجود و تغییرات جدید نیز می‌تواند به کاهش پیچیدگی سیستم حقوقی کمک کند. استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و پایگاه‌های داده حقوقی می‌تواند به سازماندهی و دسترسی آسان‌تر به قوانین کمک کند. تورم کیفری عامل اصلی ایجاد بحران در کشورها بوده و منشا مشکلات زیادی برای کشورها می باشد. در واقع تدوین قانون کیفری باید آخرین راه حل باشد نه اولین راه حل. قوانین کیفری کشور ما در دو سه دهه اخیر سخت متورم گشته است. مجموعه قوانین کیفری بی توجه به داده ها و یافته های وثیق جرم شناسی، بی رویه قطور شده است. علاوه بر این تورم قوانین کیفری باعث وهن قانون می گردد. (دادگر و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۱)

۴. سیاست جنایی کیفر محور

سیاست جنایی کیفرمحور (Retributive Justice) رویکردی در نظام عدالت کیفری است که بر مجازات و تنبیه مجرمان به عنوان پاسخ اصلی به جرم تأکید دارد. این رویکرد ریشه در ایدههای سنتی عدالت دارد که بر اساس آن، مجازات باید متناسب با شدت جرم باشد و هدف اصلی آن ایجاد توازن و بازگرداندن عدالت از طریق اعمال مجازات است. در این رویکرد، تمرکز اصلی بر مجرم و اعمال مجازات به عنوان واکنش جامعه به رفتار مجرمانه است، نه لزوماً بر اصلاح مجرم یا جبران خسارت قربانی است. سیاست جنایی کیفرمحور بر چند اصل کلیدی استوار است. اولین اصل، تناسب جرم و مجازات است. بر این اساس، مجازات باید متناسب با شدت و نوع جرم باشد تا عدالت به درستی اجرا شود. دومین اصل، عدالت به مثابه تنبیه است. در این دیدگاه، عدالت از طریق مجازات مجرم محقق می‌شود و مجازات به عنوان یک پاسخ اخلاقی و اجتماعی به جرم در نظر گرفته می‌شود. سومین اصل، مسئولیت فردی است. این رویکرد بر مسئولیت فردی مجرم تأکید دارد و معتقد است که فرد باید به دلیل انتخاب آگاهانه خود برای ارتکاب جرم، مجازات شود. چهارمین اصل، واکنش جامعه به جرم است. سیاست جنایی کیفرمحور بر این باور است که جامعه باید از طریق نظام عدالت کیفری به جرم واکنش نشان دهد و مجازات مجرم را به عنوان یک اقدام ضروری برای حفظ نظم و امنیت اجتماعی در نظر بگیرد.

دولت در قالب حاکمیت باید در خصوص بروز ظهور جرائم خشن که در قالب حوادث ناخوشایند باعث میشود افکار عمومی خدشه دار شود. برخورد جدی با آن در فضای حقیقی و مجازی در نتیجه مطالبه گری مردم از حاکمیت صورت می پذیرد. (موسوی فرد و دیگران، ۱٤۰۲، ص ۱۰)

با وجود اصولی که سیاست جنایی کیفرمحور بر آنها استوار است، این رویکرد با انتقادات متعددی روبرو شده است. یکی از انتقادات اصلی، عدم توجه کافی به اصلاح و بازپروری مجرمان است. این رویکرد بیشتر بر مجازات تمرکز دارد و ممکن است به نیازهای اصلاحی و بازاجتماعی شدن مجرمان توجه کافی نداشته باشد. انتقاد دیگر، تأثیر محدود این رویکرد بر پیشگیری از جرم است. برخی منتقدان معتقدند که سیاست جنایی کیفرمحور تأثیر محدودی در پیشگیری از جرم دارد، زیرا تمرکز آن بر مجازات پس از ارتکاب جرم است و نه بر عوامل اجتماعی و اقتصادی که ممکن است به وقوع جرم منجر شوند. علاوه بر این، اعمال مجازاتهای سنگین و زندانمحور می‌تواند منجر به افزایش جمعیت زندانیان و مشکلات مرتبط با آن، مانند شلوغی زندانها و هزینه های بالای نگهداری زندانیان شود. همچنین، این رویکرد ممکن است به نیازهای قربانیان جرم، مانند جبران خسارت و حمایت روانی، توجه کافی نداشته باشد. سیاست جنایی کیفرمحور رویکردی سنتی در عدالت کیفری است که بر مجازات و تنبیه مجرمان تأکید دارد.

اگرچه این رویکرد در برخی موارد می‌تواند به تحقق عدالت و حفظ نظم اجتماعی کمک کند، اما انتقادات زیادی به آن وارد شده است، از جمله عدم توجه کافی به اصلاح مجرمان و نیازهای قربانیان. در مقابل، رویکردهای جایگزین مانند عدالت ترمیمی و عدالت اصلاحی تلاش می‌کنند تا با تمرکز برترمیم آسیب‌ها و بازپروری مجرمان، به عدالت جامعتر و مؤثرتری دست یابند. انتخاب رویکرد مناسب به سیاست جنایی بستگی به شرایط اجتماعی، فرهنگی و حقوقی هر جامعه دارد. در نهایت، ترکیب هوشمندانه عناصر مختلف از رویکردهای مختلف می‌تواند به ایجاد یک سیستم عدالت کیفری متعادل و مؤثر کمک شایان توجهی نماید. ازجمله مواردی که باید در جرم-انگاری مدنظر قرار گیرد توجه به ظرفیت و امکانات قضایی است. در سیاست -جنایی امنیت محور، قانون‌گذار بدون توجه به ظرفیت و امکانات دستگاه قضایی اقدام به جرم انگاری‌های جدید می‌نمایند و با این کار عملاً سیاست تقنینی را به چالش خواهدکشید. (نک به: اختری بروجنی و دیگر همکاران، ۱٤۰۲، ص ۳۱)

۵. نرخ بالای جرم و جنابت در جامعه

نرخ بالای جرم و جنایت در جامعه یکی از چالشهای جدی است که می‌تواند تأثیرات منفی گستردهای بر امنیت، سلامت اجتماعی، اقتصاد و کیفیت زندگی شهروندان داشته باشد. افزایش نرخ جرم و جنایت معمولاً نشان دهنده وجود مشکلات ساختاری و اجتماعی در جامعه است که نیاز به بررسی و مداخله جدی دارد. در طول دهه گذشته، گرایشی دوباره در جرم‌شناسی برای توضیح الگوهای نوظهور جرم در کشورها با اشاره صرف به خانوادههای ناکارآمد یا افراد ناکارآمد وجود داشته است (Wozniak,2019,p189) نرخ بالای جرم و جنایت در جامعه می‌تواند ناشی از عوامل متعددی باشد. یکی از مهمترین علل، فقر و نابرابری اقتصادی است. افرادی که در شرایط اقتصادی نامناسب قرار دارند، ممکن است برای تأمین نیازهای اولیه خود به ارتکاب جرم روی آورند. بیکاری نیز یکی دیگر از عوامل مهم است. در این روند اخلاق مهم است محققان مختلف دریافته‌اند که بین جرم و جنایت و اخلاق رابطه‌ی معکوسی وجود دارد.(Varghese,2014,p50) نوعا نرخ بالای بیکاری، به ویژه در میان جوانان، می‌تواند منجر به افزایش جرم و جنایت شود. بیکاری نه تنها باعث کاهش درآمد افراد می‌شود، بلکه می‌تواند احساس ناامیدی و بیهدفی را نیز افزایش دهد. ضعف نظام آموزشی نیز از دیگر علل مهم است. نظام آموزشی ناکارآمد و عدم دسترسی به آموزش با کیفیت می‌تواند به افزایش جرم و جنایت دامن بزند. آموزش ناکافی ممکن است منجر به کاهش فرصتهای شغلی و افزایش رفتارهای ضداجتماعی شود. مشکلات خانوادگی و اجتماعی مانند خشونت خانگی، طلاق، و فقدان حمایت اجتماعی نیز می‌توانند به افزایش جرم و جنایت کمک کنند. معمولا محلههایی با نرخ بالاتر مشارکت اقتصادی و دسترسی به فرصت‌های شغلی، نرخ جرم پایین‌تری دارند. (Sheetz,2024,p2986)

کودکان و نوجوانانی که در محیط های ناپایدار و پرتنش بزرگ می‌شوند، بیشتر در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دارند. ضعف نظام عدالت کیفری نیز یکی دیگر از علل مهم است. ضعف در اجرای قوانین، فساد در نظام قضایی و ناکارآمدی سیستم زندان‌ها می‌تواند به افزایش جرم و جنایت منجر شود. اگر مجرمان احساس کنند که احتمال دستگیری و مجازات آنها کم است، ممکن است بیشتر به ارتکاب جرم تمایل پیدا کنند. مصرف مواد مخدر و الکل نیز با افزایش جرم و جنایت ارتباط مستقیم دارد. این مواد می‌توانند رفتارهای خشونت آمیز و غیرقانونی را تشدید کنند. نرخ بالای جرم و جنایت پیامدهای منفی متعددی را به دنبال دارد. به عنوان مثال بر اساس یافته های مکتب شیکاگو نرخ بالای جرم نتیجه تضعیف نهادهای اجتماعی (خانواده، مدرسه) و شکست در حفظ هنجارهای اجتماعی است. (Harbeck,2023,p10) مثلا در ایران با توجه به این‌که در طول چند سال اخیر، میزان تورم اقتصادی به شدت افزایش یافته و نرخ بیکاری به نحو نگران‌کننده‌ای بالا رفته و گرانی کالاها و خدمات به یکی از بزرگترین مشکلات افراد و خانوادهها تبدیل شده است.

لازم است فعالیت‌های مجرمانه فقط از حیث مفهوم مجرد قانونی ملاحظه نشوند؛ بلکه در برخورد با این‌گونه جرایم، باید علل و عوامل ارتکاب آن‌ها نیز که در واقع رشد نقدینگی، افزایش تورم، گرانی کالاها و خدمات و بیکاری فزاینده است، مورد ملاحظه قرار گیرند. (چاکرزهی و دیگران، ۱۳۹٤، ص ۱۱۳)

یکی از مهمترین پیامدها، کاهش امنیت عمومی است. نرخ بالای جرم و جنایت باعث کاهش احساس امنیت در جامعه می‌شود. شهروندان ممکن است از ترس قربانی شدن، از مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی خودداری کنند. تخریب سرمایه اجتماعی نیز یکی دیگر از پیامدهای مهم است. جرم و جنایت می‌تواند به تخریب سرمایه اجتماعی منجر شود. اعتماد بین افراد و نهادهای اجتماعی کاهش یافته و همبستگی اجتماعی تضعیف می‌شود. هزینه‌های اقتصادی نیز از دیگر پیامدهای نرخ بالای جرم و جنایت است. جرم و جنایت هزینه های اقتصادی قابل توجهی را به جامعه تحمیل می‌کند. این هزینه ها شامل هزینه های نظام عدالت کیفری، خدمات پزشکی، و خسارات ناشی از جرائم است.

تأثیرات روانی نیز یکی دیگر از پیامدهای مهم است. جرم و جنایت می‌تواند تأثیرات روانی عمیقی بر قربانیان و جامعه داشته باشد. ترس، اضطراب، و افسردگی از جمله تأثیرات روانی شایع هستند. کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی نیز از دیگر پیامدهای نرخ بالای جرم و جنایت است. نرخ بالای جرم و جنایت می‌تواند باعث کاهش سرمایه گذاری و رشد اقتصادی شود. سرمایه گذاران ممکن است از سرمایه گذاری در مناطق ناامن خودداری کنند. در تحقیقات دیگری چنین آمده است: افزایش وقوع رفتارهای خشونت بار و مجرمانه در سال های اخیر به دغدغه ای اساسی برای بسیاری از دولتمردان در سراسر جهان تبدیل شده است. (همان)

رشد جرم و جنایت در ایران در این چندسال اخیر به مرز هشدار رسیده است. در حال حاضر ایران یکی از ۱۰ کشور جهان با بیشترین نرخ تورم و یکی از هشت کشور جهان با بیشترین نرخ فلاکت است یافته ها حاکی از آن است که، از علل اقتصادی افزایش جرم و جنایت در شرایط فعلی جامعه می توان به بیکاری و فقر، تورم و نابرابری در توزیع درآمدها و از علل اجتماعی افزایش جرم و جنایت در شرایط فعلی جامعه می توان به افزایش شکاف طبقاتی، حاشیه نشینی و عدم توجه به مسائل و نیاز جوانان و از علل فرهنگی افزایش جرم و جنایت در شرایط فعلی جامعه می توان به عدم تطابق فرهنگی بین مبدا و مقصد در مهاجرین، کاهش نقش کانون خانواده و آموزش و پرورش و کمرنگ شدن مسائل دینی اشاره نمود. (احمدی،۱٤۰۲)

۶. احساس ترس و کنترل بیشتر اجتماعی دولت

افزایش عناوین مجرمانه توسط حاکمیت ممکن است دلایل متعددی داشته باشد. یکی از مهمترین دلایل، تلاش برای کنترل اجتماعی و سیاسی است. با تعریف جرائم جدید یا گسترش دامنه جرائم موجود، دولت میتواند رفتارهای خاصی را محدود کرده و از این طریق بر جامعه نظارت بیشتری اعمال کند. این رویکرد ممکن است به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان سیاسی یا فعالان اجتماعی نیز استفاده شود. برای مثال، با تعریف جرائمی مانند "اخلال در نظم عمومی"، یا "تشویش اذهان عمومی"، دولت می تواند به راحتی منتقدان را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. علاوه بر این، افزایش عناوین مجرمانه و اعمال مجازاتهای سنگین میتواند به عنوان ابزاری برای ایجاد ترس و بازدارندگی در جامعه استفاده شود. این ترس ممکن است باعث کاهش مشارکت مردم در فعالیت های سیاسی یا اجتماعی شود و به دولت اجازه دهد کنترل بیشتری بر جامعه داشته باشد. همچنین، افزایش عناوین مجرمانه ممکن است به توجیه افزایش قدرت نهادهای امنیتی و قضایی کمک کند. با گسترش اختیارات این نهادها، دولت میتواند بودجه، نیرو و اختیارات بیشتری را به آنها اختصاص دهد. در برخی موارد، افزایش عناوین مجرمانه ممکن است به عنوان واکنشی به فشارهای داخلی یا خارجی باشد. برای مثال، در مواجهه با ناآرامیهای اجتماعی یا تحریم های بین المللی، دولت ممکن است با تشدید قوانین کیفری، سعی در ایجاد ثبات و کنترل بیشتر داشته باشد. (منبع پیشین)

افزایش عناوین مجرمانه میتواند پیامدهای منفی متعددی را نیز به دنبال داشته باشد. یکی از مهمترین پیامدها، کاهش آزادیهای فردی و اجتماعی است. افراد ممکن است از ترس مجازات، از بیان عقاید یا مشارکت در فعالیتهای اجتماعی خودداری کنند. این امر می تواند به کاهش مشارکت مدنی و تضعیف جامعه مدنی منجر شود. علاوه بر این، افزایش عناوین مجرمانه ممکن است به افزایش نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد به دولت منجر شود. اگر این رویکرد به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان یا محدود کردن حقوق شهروندی تلقی شود، ممکن است اعتماد عمومی به دولت کاهش یابد.[1] تورم قوانین کیفری نیز یکی دیگر از پیامدهای افزایش

[1]. دولت، در بستر بحران‌های ژئوپلیتیک و به‌ویژه با برجسته‌سازی تهدیدات برون‌مرزی، موفق می‌شود تا چارچوبی هنجاری برای اعمال کنترل‌های افقی و عمودی بر جامعه ترسیم کند. این راهبرد، که در ادبیات حکمرانی اضطراری قابل صورتبندی است، سه پیامد عمده را به همراه دارد: نخست، به‌کارگیری گفتمانی که هرگونه نقد داخلی را به «همدستی با دشمن فرضی» فرو می‌کاهد و از این رهگذر، هزینه‌ی سیاسی اعتراض را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد؛ دوم، تقویت جایگاه نهادهای نظامی–امنیتی که در سایه‌ی بودجه‌های فوق‌العاده و اختیارات گسترده‌تر، به بازیگرانی مسلط در عرصه‌های اقتصادی و تصمیم‌سازی کلان بدل می‌شوند؛ و سوم، اتخاذ الگویی نوسانی در اعمال محدودیت‌های اجتماعی، به‌گونه‌ای که در اوج بحران‌های خارجی، به‌سبب ضرورت نمایش وحدت ملی، از شدت اجرای مقررات سخت‌گیرانه‌ای چون حجاب اجباری کاسته می‌شود، اما به محض فروکش‌کردن تنش‌های بیرونی، مجدداً شاهد بازگشت گشت‌های نظارتی و تشدید بازرسی‌های عمومی خواهیم بود.

عناوین مجرمانه است. افزایش بیرویه عناوین مجرمانه میتواند به پیچیدگی نظام حقوقی و سردرگمی شهروندان و حتی نهادهای اجرایی منجر شود. همچنین، تعریف جرائم جدید و اعمال مجازاتهای سنگین میتواند به افزایش جمعیت زندانیان و مشکلات مرتبط با آن، مانند شلوغی زندانها و هزینه های بالای نگهداری زندانیان، منجر شود. نوعا افزایش عناوین مجرمانه ممکن است به تضعیف مشروعیت دولت منجر شود. اگر این رویکرد به عنوان ابزاری برای سرکوب یا کنترل بیشتر تلقی شود، ممکن است حمایت مردمی از دولت کاهش یابد.

یکی از مهمترین نقدها، احتمال سوءاستفاده از قدرت توسط حاکمیت است. این رویکرد ممکن است به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان یا محدود کردن حقوق شهروندی مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، افزایش عناوین مجرمانه و اعمال مجازاتهای سنگین ممکن است به نقض حقوق بشر، از جمله آزادی بیان، آزادی تجمع و حق برخورداری از محاکمه عادلانه، منجر شود. برخی منتقدان نیز معتقدند که افزایش عناوین مجرمانه لزوماً به کاهش جرم منجر نمیشود. در عوض، این رویکرد ممکن است به افزایش نارضایتی و ناآرامیهای اجتماعی دامن بزند. تضعیف عدالت کیفری نیز یکی دیگر از نقدهای مرتبط با این موضوع است. افزایش بیرویه عناوین مجرمانه ممکن است به تضعیف عدالت کیفری و کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی منجر شود. اگر قوانین کیفری به عنوان ابزاری برای کنترل سیاسی تلقی شوند، ممکن است اعتبار نظام قضایی زیر سؤال برود.

نتیجه گیری

افزایش عناوین مجرمانه در تقنین‌گذاری کیفری پدیده‌ای است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان مشاهده می‌شود. این افزایش ناشی از عوامل متعدد و پیچیده‌ای است که ریشه در تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فناوری دارد. پس از بررسی دقیق این عوامل، می‌توان به این نتیجه رسید که توسعه و پیچیدگی جوامع مدرن یکی از اصلی‌ترین دلایل افزایش عناوین مجرمانه است. با پیشرفت فناوری و ظهور پدیده‌هایی مانند جرائم سایبری، پولشویی الکترونیکی و نقض حریم خصوصی، قانون‌گذاران ناگزیر به تعریف جرائم جدید و وضع قوانین متناسب با این تحولات هستند. این امر باعث شده است که قوانین کیفری به طور مداوم به روزرسانی شوند و عناوین مجرمانه جدیدی به آنها اضافه گردد. از سوی دیگر، تغییرات فرهنگی و اجتماعی نیز نقش مهمی در این فرآیند ایفا می‌کنند. جوامع امروزی با مسائل جدیدی مانند خشونت‌های خانگی، تبعیض‌های جنسیتی، جرائم زیست‌محیطی و نقض حقوق بشر مواجه هستند. این مسائل باعث شده است که قانون‌گذاران برای حفظ نظم عمومی و حمایت از حقوق افراد، قوانین جدیدی را تصویب کنند.

این رفتار دوگانه، خود مؤید آن است که دولت، کنترل اجتماعی را نه به‌عنوان هدفی ثابت، بلکه به‌مثابه‌ی اهرمی موقعیت‌مند برای تعدیل فضای سیاسی در نظر می‌گیرد.

به عنوان مثال، در سال‌های اخیر شاهد افزایش قوانین مربوط به جرائم زیست‌محیطی و حمایت از حیوانات بوده‌ایم که نشان‌دهنده تأثیر تغییرات فرهنگی بر تقنین‌گذاری کیفری است. نوعا فشارهای سیاسی و امنیتی نیز از دیگر عوامل مؤثر در افزایش عناوین مجرمانه هستند. در بسیاری از موارد، دولت‌ها برای مقابله با تهدیدات امنیتی مانند تروریسم، جرائم سازمان‌یافته و قاچاق مواد مخدر، قوانین سخت‌گیرانه‌تری وضع می‌کنند. این قوانین اغلب با تعریف جرائم جدید و تشدید مجازات‌ها همراه است. علاوه بر این، گاهی اوقات افزایش عناوین مجرمانه ناشی از تأثیر رسانه‌ها و افکار عمومی است. رسانه‌ها با پوشش گسترده رویدادهای جنایی و ایجاد حساسیت در جامعه، می‌توانند بر قانون‌گذاران فشار وارد کنند تا قوانین جدیدی را تصویب کنند. این پدیده که گاهی به آن "تقنین‌گذاری احساسی" گفته می‌شود، ممکن است منجر به تصویب قوانینی شود که بدون بررسی دقیق و کارشناسی، تنها برای آرام‌کردن افکار عمومی طراحی شده‌اند.

یکی دیگر از عوامل مهم، بین‌المللی‌سازی حقوق کیفری است. با گسترش همکاری‌های بین‌المللی و عضویت کشورها در معاهدات و کنوانسیون‌های جهانی، دولت‌ها ملزم به تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی هستند. این امر می‌تواند منجر به تعریف جرائم جدید و افزایش عناوین مجرمانه در قوانین داخلی شود. به عنوان مثال، قوانین مربوط به مبارزه با پولشویی، فساد اداری و جرائم سازمان‌یافته اغلب تحت تأثیر تعهدات بین‌المللی تصویب می‌شوند.

با این حال، افزایش عناوین مجرمانه همواره پیامدهای مثبتی ندارد. یکی از نگرانی‌های اصلی این است که کمبود رویکرد پیشگیرانه در تقنین‌گذاری کیفری ممکن است باعث شود که قانون‌گذاران به جای تمرکز بر ریشه‌یابی مشکلات و ارائه راه‌حل‌های پایدار، صرفاً به وضع قوانین جدید و تشدید مجازات‌ها روی آورند. این رویکرد نه تنها ممکن است تأثیر چندانی در کاهش جرائم نداشته باشد، بلکه می‌تواند منجر به افزایش جمعیت کیفری و ایجاد بار سنگین بر سیستم قضایی و زندان‌ها شود. علاوه بر این، افزایش عناوین مجرمانه ممکن است باعث ابهام در قوانین و ایجاد مشکلاتی در تفسیر و اجرای آنها گردد. نتیجه دیگری که به دست می آید این است که افزایش عناوین مجرمانه در تقنین‌گذاری کیفری پدیده‌ای چندوجهی است که نیاز به بررسی دقیق و همه‌جانبه دارد. برای مقابله با این چالش، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذاران به جای تمرکز صرف بر افزایش تعداد جرائم، به ارتقای کیفیت قوانین و اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه توجه کنند. این امر می‌تواند شامل آموزش عمومی، افزایش آگاهی‌های اجتماعی، تقویت نهادهای نظارتی و استفاده از فناوری‌های نوین برای پیشگیری از جرائم باشد. همچنین، همکاری بین‌المللی و تبادل تجربیات بین کشورها می‌تواند به بهبود فرآیند تقنین‌گذاری کیفری و کاهش پیامدهای منفی افزایش عناوین مجرمانه کمک نماید. این نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که افزایش عناوین مجرمانه در تقنین‌گذاری کیفری پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر در جوامع مدرن است، اما نیازمند مدیریت هوشمندانه و رویکردهای جامع‌تر برای دستیابی به اهداف عدالت کیفری است.

پیشنهادات به شرح ذیل ارائه می گردد:

- **تمرکز بر ریشه‌یابی جرائم** :به جای افزایش تعداد عناوین مجرمانه، باید به علل اصلی وقوع جرائم مانند فقر، بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی و کمبود آموزش توجه شود.
- **آموزش و آگاهی‌بخشی** :اجرای برنامه‌های آموزشی برای افزایش آگاهی عمومی درباره پیامدهای جرائم و تقویت فرهنگ قانون‌مداری می باشد.
- **حمایت از برنامه‌های اجتماعی :**سرمایه‌گذاری در برنامه‌هایی که به کاهش عوامل خطرساز جرائم کمک می‌کنند، مانند برنامه‌های اشتغال‌زایی، حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد و بهبود دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ

الف): منابع فارسی

- احمدی، عارف، (۱٤۰۲)، بررسی علل افزایش جرم و جنایت در شرایط فعلی جامعه با اتکا به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چاپ شده در مجموعه مقالات منتشر یافته چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، روان شناسی و علوم رفتاری، تهران،https://civilica.com/doc/1701511
- اختری بروجنی، مرضیه، شکرچی زاده، محسن و قاسمی کهریز سنگی، راضیه. (۱٤۰۲). بررسی ابعاد اقتصادی سیاست جنایی (کیفرمدار) امنیت محور از منظر فقه و حقوق کیفری. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۵(۳).
- جبیب زاده، محمدجعفر، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و کلانتری، کیومرث. (۱۳۸۰). تورم کیفری، عوامل و پیامدها. **مدرس علوم انسانی، ۵**(٤ (پیاپی ۲۱).
- دادگر، سیده گل آسا، (۱٤۰۳)، چالش های عملی ناشی از تورم قوانین کیفری و راهکارهای آن، **چاپ شده در مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین المللی تحقیقات پیشرفته در مدیریت و علوم انسانی**،https://civilica.com/doc/2045155
- کاظم‌نظری، محمدعلی و محمودی جانکی، فیروز. (۱٤۰۲). رَهیافت آنارشیستی به جرم‌انگاری. **مجله حقوقی دادگستری**، ۸۷(۱۲٤).

- منصوری، پیمان و عظیمیان، عسل و موسوی فرد، سیدمحمدرضا، (۱٤۰۲)، تاثیر بازتاب جرائم خشن در فضای مجازی بر اتخاذ سیاست جنایی کیفر محور و حداکثری در قالب حکمرانی عدالت کیفری **چاپ شده در مجموعه مقالات در فضای سایبری، چهارمین کنفرانس ملی پدافند سایبری، مراغه**،https://civilica.com/doc/1917287
- موسوی فرد، محمّدرضا. (۱٤۰۰). وضعیت آنارشیک حقوقی، جرائم سازمان یافته بین المللی ازتئوری تا عمل در مواجهه سیاست و حقوق بین الملل کیفری. **تحقیقات حقوقی بین المللی**، ۱٤(۵۳).
- ابراهیمی، مهرزاد و چاکرزهی، عبدالوهاب. (۱۳۹٤). ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران. **پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی**، ٤(۲).

ب): منابع لاتین

- Wozniak, J.F. C. (2009). Wright Mills and higher immorality: implications for corporate crime, ethics, and peacemaking criminology. Crime Law Soc Change 51, https://doi.org/10.1007/s10611-008-9151-3
- Varghese, Bipin P. and Varghese, Bipin P., (2014) Crime Rates in India: Role of Morality and Moral Reasoning (January 14, 2014). Varghese BP, Raj SJM. Crime Rates in India: Role of Morality and Moral Reasoning, International Research Journal of Social Sciences, 3(1):, Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=2459317-
- Harbeck, K. M. (2023). Social disorganization theory. In EBSCO Research Starters: Social Sciences and Humanities. EBSCO Publishing. Available at: https://www.ebsco.com/research-starters/social-sciences-and-humanities/social-disorganization-theory.
- Blizard, Z. D., & Sheetz, A. G. (2024). Working to reduce crime: Exploring the link between economic participation and crime rates in Forsyth County, N.C. neighborhoods. Crime & Delinquency, 70 (11),. https://doi.org/10.1177/00111287231202779–